

شناسایی «تصورات قالبی جنسیتی» در شهر تهران: گسست یا تداوم

ناهید مؤید حکمت*

چکیده

در این مقاله شناسایی «تصورات قالبی جنسیتی در سطح شهر تهران» بررسی می‌شود.^۱ اهمیت شناسایی تصورات قالبی جنسیتی از آن روست که شناختشان در حکم جزءشناختی نگرش، از شیوه‌های مؤثر فهم رفتارهای غالب افراد در جامعه، است. مسئله اصلی نگارنده این است که تصورات قالبی جنسیتی در این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های پیشین از چه روندی پیروی می‌کنند؛ گسست یا تداوم؟ در این راستا هدف اصلی، شناسایی تصورات قالبی جنسیتی شهر تهران است. روش تحقیق کمی و از نوع پیمایش است. گردآوری اطلاعات این پژوهش از طریق مراجعه به متون و تکمیل پرسش‌نامه در میان ۳۰۰ پاسخ‌گو به صورت تصادفی و تحلیل آن، از طریق بهره‌گیری از آمارهای توصیفی و استنباطی انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ویژگی‌های مهربان، حساس، ملایم، هیجانی، پیرو و ضعیف به‌ترتیب، ویژگی‌های غالب زنانه و در مقابل، ویژگی‌های باثبات، مقتدر، باکفایت، رهبر، چیره‌دست، خشن و پرخاش‌گر ویژگی‌های غالب مردانه، صرف نظر از متغیرهای مستقل تحقیق، معرفی شده‌اند. افزون بر این، یافته‌های پژوهش مزبور در راستای تداوم داده‌های سایر پژوهش‌ها در زمینه تصورات قالبی جنسیتی موجود است.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، تصورات قالبی، تصورات قالبی جنسیتی.

* استادیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

nahidmoayedhekmata@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲۸

۱. مقدمه

تصورات قلبی به تعمیم‌هایی اطلاق می‌شوند که دربارهٔ برخی اقلیت‌های مذهبی، نژادی، قومی و گروهی رواج دارند. در واقع، باورها و تصوراتی که از ویژگی‌های شخصیتی پذیرفته‌ایم، به‌ویژه صفات‌های شخصیتی و رفتارهای گروهی از افراد، تصورات قلبی نامیده می‌شود (بدار و دیگران، ۱۳۸۱).

اغلب مردم ویژگی‌های مربوط به خود و گروهشان را متفاوت از گروه‌های دیگر ادراک می‌کنند و همواره در پی اطلاعاتی‌اند که این ادراک را تأیید و تقویت کند. بحث دربارهٔ تصورات قلبی جنسیتی جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است؛ زیرا بزرگ‌ترین گروه‌بندی در جوامع، تقسیم افراد جامعه به گروه زنان و گروه مردان است؛ این گروه‌بندی زمانی که با تفکرهای قلبی همراه شود، جای بررسی و تأمل دارد.

پژوهش حاضر درخصوص تصورات قلبی جنسیتی و در چهارچوب پژوهش‌های متداول علمی در این زمینه تنظیم شده است.

پژوهش‌های موجود در این زمینه، در دو مقولهٔ مفهوم‌پردازی از تصورات قلبی جنسیتی و بازتاب تصورات قلبی جنسیتی در رسانه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. این پژوهش‌ها در مورد نخست عبارت‌اند از پژوهش‌های بارون و بیرن (۱۳۹۱)، میشل (۱۳۷۶)، گولومبوک (۱۳۸۴)، فی‌وش (۱۹۹۹)، میرز (۲۰۰۲)، کیسی (۲۰۰۲) و در مورد دوم عبارت‌اند از پژوهش‌های جین مک نیل (۱۹۷۵)، پاتریشیا ملنکامپ (۱۹۷۷)، میناکشی (۲۰۰۱)، گلاس کک (۲۰۰۱)، موروماتسو (۱۹۷۷) و فانگ (۲۰۰۱).

هم‌چنین تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های پیش‌گفته، بررسی تصورات قلبی با استناد به تحقیق میدانی در سطح شهر تهران است. بر این مبنا، مقالهٔ حاضر در راستای پاسخ‌گویی به این مسئلهٔ محوری شکل گرفته است که تصورات قلبی جنسیتی موجود در جامعهٔ کنونی ما در مقایسه با یافته‌های سایر پژوهش‌ها از چه روندی پیروی می‌کنند؟ تداوم یا گسست؟ در این راستا هدف مقالهٔ حاضر، با بهره‌گیری از روش تحقیق کمی از نوع پیمایش، «شناسایی تصورات قلبی جنسیتی موجود در سطح شهر تهران» است. در این پیمایش، با توجه به اهمیت تصورات قلبی در نگرش افراد به ویژگی‌های متسبب به دو جنس، آرای ۳۰۰ تن از پاسخ‌گویان به صورت تصادفی ناهمگن، به تفکیک جنس، سن، شغل، درآمد، تحصیلات و محل سکونت گردآوری شده است.

در این نگاشته، نخست چهارچوب نظری و تعریف مفاهیم تصورات قلبی جنسیتی ارائه می‌شود. در مرحلهٔ دوم، دربارهٔ پیشینهٔ تحقیق موجود از دو منظر مفهوم‌پردازی از

تصورات قالبی و تصورات قالبی در رسانه‌ها بحث می‌شود؛ در مرحله سوم، روش تحقیق بیان می‌شود و در مرحله چهارم، یافته‌های تحقیق بر مبنای چگونگی معناداری آن در اثرپذیری از متغیرهای مستقل تحلیل می‌شود و در نهایت، روند آن‌ها در مقایسه با پژوهش‌های پیشین در این حوزه بررسی و تحلیل می‌شود.

۲. چهارچوب نظری و تعریف مفاهیم

هرچند در مکالمات روزمره اصطلاحات تصور قالبی (prejudice)، پیش‌داوری (prejudice) و تبعیض (discrimination) اغلب مترادف یک‌دیگر به کار می‌روند، اما در این تحقیق، تصورات قالبی در راستای چهارچوب نظری بارون و بیرن، به منزله جزئی‌شناختی نگرش^۲ درباره گروه‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند و شامل باورهایی‌اند درباره این‌که گروه‌های خاص چگونه‌اند. پیش‌داوری‌ها جزو بعد عاطفی نگرش و احساساتی است که ما در گروه‌های خاص داریم و در نهایت، تبعیض شامل جزء رفتاری نگرش اعضای گروه‌های اجتماعی خاص است. تصورات قالبی شامل ظاهر جسمانی، فعالیت‌هایی که در رفتارهای اجتماعی اولویت دارند یا انتظارات بر مبنای تصورات قالبی‌اند. این صفات، که میان گروه‌ها تمایز ایجاد می‌کنند، ویژگی‌های مثبت یا منفی یا درست یا نادرست‌اند که اعضای گروه آن‌ها را تأیید یا رد می‌کنند (بارون و بیرن، ۱۳۹۱: ۳۱۵). والتر لیمن در کتابش با عنوان *نظر عامه* (۱۹۲۲)، تصور قالبی را به معنای تصاویر ثابت و محدود در ذهن به کار می‌برد. او بر این باور است که فقط یک قسمت از مفهوم ما از اشیا از محسوسات بلافصل یا ذخیره ذهنمان تشکیل شده است، بقیه قسمت‌ها از تصورات ما درباره طبقه‌ای که شیء به آن منسوب شده است پر می‌شود؛ بنابراین درک ما از شیء ترکیبی است از صفت واقعی و صفت منسوب به آن (اتو کلاین برگ، ۱۳۷۶: ۵۴۰).

جنسیت (gender) نیز مفهومی اجتماعی است و با واژه جنس (sex)، که معمولاً برای بیان همان موضوع از دیدگاه زیست‌شناسی به کار می‌رود، متفاوت است. جنسیت، این مقوله اجتماعی، مضمون رفتار و نقش‌های معمول اجتماعی زنان و مردان است و برداشتی است اجتماعی - فرهنگی از زن و مرد است.^۳ جنسیت در بافت فرهنگی، در قالب مشخصه‌های روانی، اجتماعی و تعاملی ظاهر می‌شود (کیدنز، ۱۹۸۹). نگرش به موضوع جنسیت یکی از ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی جوامع تلقی می‌شود و در حکم معیاری برای تفکیک جوامع «مردانه» و «زنانه» است. این تفاوت‌های جنسیتی موجود، نه تنها در سطوح مختلف میان مردان و زنان بازتولید می‌شود، بلکه بیان‌گر چگونگی وضعیت دیگر

شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز است. به بیان دیگر، اگر جنسیت شامل رفتارها، نقش‌های اجتماعی و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم بر جوامع به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد، تصورات جنسیتی قالبی دامنه انتظارات از هر دو جنس را طرح‌ریزی و تعیین می‌کند و شامل باورها درباره ویژگی‌های مثبت و منفی زنان و مردان است. بر اساس ادبیات موجود، از جمله ویژگی‌های مردانه، باکفایت، باثبات، خشن، به خود متکی، رهبر، قوی، چیره‌دست و پرخاش‌گر و از زمره صفات زنانه، گرم، هیجانی، مهربان، حساس، پیرو، ضعیف و ملایم است (بارون و بیرن، ۱۳۹۲: ۳۱۶). بر این مبنا، درمی‌یابیم که تصورات قالبی وظایف و نقش‌های جنسیتی را از قبل تعیین می‌کنند و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر موجب استمرارشان در اذهان عمومی جامعه می‌شود؛ به گونه‌ای که «باکفایت بودن»، که به نظر ویژگی مردانه قلمداد می‌شود، برتر از «حساس بودن»، که خصلتی زنانه به شمار می‌رود، تعبیر می‌شود. تصور قالبی مانع از آن می‌شود که با هر یک از اعضای گروه در مقام فردی مستقل برخورد شود؛ زیرا تصویری که درباره گروه وجود دارد به همه اعضای آن تعمیم داده می‌شود. حتی اگر بخشی از تفکر قالبی مبتنی بر واقعیت باشد، ممکن است عده‌ای از اعضای گروه با آن قالب فاصله و تفاوت داشته باشند (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۷۸). با طبقه‌بندی مردم به گروه‌های خاص، تفاوت‌های فردی به حداقل می‌رسد، اما تفاوت میان گروه‌ها به حداکثر افزایش می‌یابد (مک‌گارتی و بنی به نقل از ایروانی، ۱۳۸۳: ۶۲).

۳. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق حاضر، بر مبنای دو محور اساسی مفهوم‌پردازی و تصورات قالبی جنسیتی در رسانه ارائه می‌شود:

۱.۳ پیشینه نظری: مفهوم‌پردازی از تصورات قالبی جنسیتی

شماری از اندیشمندان تصورات قالبی جنسیتی و دلایل استمرار آن را تبیین کرده‌اند. از جمله مطرح‌ترین آن‌ها آرای بارون و بیرن است. از منظر آنان، تصورات قالبی جنسیتی، تصویر ذهنی یک‌نواخت و قالب‌بندی‌شده‌ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان را بدون آن‌که بررسی و آزمایش شوند ارائه می‌دهد. بر اساس تصورات قالبی جنسیتی، زنان و مردان در جامعه ویژگی‌ها و رفتارهای خاصی دارند و در نهایت، قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یک‌دیگر متفاوت‌اند. تصورات قالبی از طرفی خصوصیت‌ها و توانایی‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهد که مردان از آن‌ها بی‌بهره‌اند و از

طرف دیگر، توانایی‌ها و خصوصیات را به مردان نسبت می‌دهند که در زنان از آن‌ها نشانی نیست. شکل‌گیری تصورات قالبی جنسیتی، بازتاب طبیعی کاربرد طرح‌واره‌های جنسیتی است (بارون و بیرن، ۱۳۹۱: ۶۲-۶۳). میشل نیز بر این باور است که تصورات قالبی جنسیتی بی‌هیچ تغییری تکرار و بازتولید می‌شوند و از تشخیص خصوصیت‌های فردی عاجزند. او تصورات قالبی جنسیتی را در چهار دسته کلی جای می‌دهد:

۱. نقش‌های گوناگون در درون خانواده: مادر نقش خدمت‌رسان خانواده و وابسته به همسر را بر عهده دارد و پدر نقش نان‌آور و تکیه‌گاه را؛

۲. ویژگی‌های شخصیتی: پسران و مردان آفریننده، تصمیم‌گیر و اهل عمل‌اند (فعال)، اما دختران وابسته و نظاره‌گر (منفعل)؛

۳. نقش‌های اجتماعی و سیاسی: زنان در صورت داشتن فعالیت اجتماعی، در سطوح کوچک و محلی فعال‌اند، اما مردان یا مسئولیت‌های بزرگ دارند یا رهبر سیاسی‌اند؛

۴. نقش حرفه‌ای: مشاغل به دو بخش زنانه و مردانه تقسیم شده‌اند. زنان منشی یا پرستارند و مردان کارفرما یا پزشک (میشل، ۱۳۷۶: ۲۴-۲۶).

گولومبوک نیز تصورات قالبی جنسیتی را مجموعه سازمان‌یافته‌ای از باورها درباره زنان و مردان می‌داند که دربرگیرنده اطلاعات درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان است (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۴: ۲۸). یکی از عوامل تداوم تصورات قالبی، تقسیم کار سنتی جنسیتی موجود و بازتولید تعاریف جنسیتی تأییدکننده آن تصورات قالبی و نقش‌های جنسیتی است (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۳۶). به باور میرز تصورات قالبی از طریق سیستم غالب در فرهنگ، استعارات، کنایات، داستان‌های اساطیری، تصاویر نقاشی‌شده یا پیکرنگاری‌ها بر افراد جامعه القا می‌شوند (میرز، ۲۰۰۲: ۲۴). تفکرات قالبی، که در مورد یک گروه به کار می‌رود، عواقب سنگینی دربر دارد؛ از جمله آن‌که با اعضای گروهی که در محدوده خاصی قرار دارند متعصبانه برخورد می‌شود و انتظارات محدودی از آن‌ها وجود دارد (کیسی، ۲۰۰۲: ۲۳۰). بکر در بررسی اشکالات نظریه برچسب‌زنی بیان داشته است که جامعه‌شناسان وضعیت انفعالی زنان یا موقعیت حاشیه‌ای آن‌ها را در چهارچوب نظریه برچسب‌زنی توضیح می‌دهند؛ زیرا باور بر این است؛ چه بسا این وضعیت بدین سبب باشد که زنان موجوداتی ضعیف، پرخاش‌گر، چاق، کم‌استعداد، غیرخلاق و ... خوانده شده‌اند (Becker, ۱۹۶۳: ۶) به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۱۴-۳۱۵). اما تأثیر منفی آن‌ها بر زنان بیش‌تر است، زیرا آنان در این تصورات قالبی در مقام جنس ضعیف و فرودست مطرح می‌شوند. از این منظر، پیر بوردیو

نیز نابرابری جنسیتی را ناشی از نابرابری در سهم‌بری افراد از سرمایه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و به‌ویژه نمادین (سلطه) می‌داند که باورهای جنسیتی را از طریق عادت‌واره‌ها بازنمایی می‌کنند. در بیش‌تر جوامع مردان به دو دلیل در مقایسه با زنان سرمایه نمادین و اقتصادی بیش‌تری در اختیار دارند؛ نخست به علت تحصیلات بالاتر امکان دسترسی به آموزش‌های کاربردی‌تر و پیوندهای شبکه‌ای گسترده‌تری دارند و به مشاغل بهتر و پردرآمدتری دست می‌یابند و از این طریق، منابع اقتصادی‌شان را تقویت می‌کنند. دوم به علت وجود باورهای قلبی درباره توانایی‌ها و صفات زنان، فرصت بیش‌تری برای دسترسی و به دست آوردن منابع گوناگون دارند (بوردیو، ۲۰۰۲).

افزون بر این برای جلوگیری از طرد جامعه، معمولاً زنان و مردان در چهارچوب هنجارهای اجتماعی مبتنی بر تصورات قلبی جنسیتی‌شان رفتار می‌کنند. آن‌ها شیوه بیان احساس‌ها، حالت‌های روانی و حتی علایق خود را در این چهارچوب قرار می‌دهند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۴۶).

با مرور همه آرای پیش‌گفته نظری متوجه می‌شویم که تصورات قلبی، که منجر به پذیرش تصورات قلبی جنسیتی مبتنی بر ویژگی‌های خاص زنانه و مردانه می‌شود، بر اساس تعمیم‌هایی انجام می‌شوند که بر آن مبنا انتظارات افراد جامعه از دو جنس شکل می‌گیرد.

۲.۳ پیشینه تجربی

بیش‌ترین پژوهش‌های خارجی در این حوزه به تلویزیون اختصاص دارد و بیش‌ترین تراکم کارها در این زمینه در دهه‌های ۱۹۷۰ و پس از آن مشاهده می‌شود. از جمله این پژوهش‌ها، پژوهش جین مک نیل است که در ۱۹۷۵، ۴۳ برنامه تلویزیونی را در تلویزیون امریکای شمالی بررسی کرد. وی در مجموع به پنج نکته مهم دست یافت: ۱. زنان در مقایسه با مردان در برنامه‌های تلویزیون در نقش‌های اصلی کم‌تری ظاهر می‌شوند؛ ۲. در مقایسه با مردان، ازدواج و مادر بودن برای زنان بسیار مهم‌تر نشان داده می‌شود؛ ۳. زنان شاغل در موقعیت سستی زنانه نشان داده می‌شوند؛ به طوری که اغلب زیردست مردان با جایگاه یا قدرت کم‌تر قرار دارند؛ ۴. زنان در برنامه‌های تلویزیونی بسیار منفعل‌تر از مردان‌اند و معمولاً حل مشکلاتشان را به دیگران واگذار می‌کنند؛ ۵. تلویزیون پیشرفت زنان را به رسمیت نمی‌شناسد یا نادیده می‌گیرد (فریدمن، ۱۹۷۷: ۱۰۵؛ گالاگر، ۱۹۸۱: ۳۸). تحلیل‌های انجام‌شده در مورد سریال‌های تلویزیونی در اروپای غربی نیز نشان می‌دهد که همان مؤلفه‌های یافت‌شده در امریکای شمالی در این منطقه هم صدق می‌کند. حضور

کم‌رنگ زنان، تأکید بر نقش‌های خانگی و مادری، فراوانی ظهور زنان در نقش ابرار جنسی و منفعل بودن آنان در برابر تصویر مردانی فعال به چشم می‌خورد (همان: ۶۷؛ ملنکامپ، ۱۹۸۶؛ میناکشی، ۲۰۰۱: ۱۱۸) و پژوهش‌های دهه ۱۹۹۰ از تغییرات در نمایش تصویر زنان و هرازگاهی جابه‌جایی نقش‌ها در فیلم‌های تلویزیونی امریکا و اروپا نشان دارند (گلاس کک، ۲۰۰۱: ۱۱)، اما نمی‌توان نتیجه گرفت که این امر الزاماً به تغییر تصورات قالبی جنسیتی نیز بینجامد.

موروماتسو (۱۹۷۷) در مطالعه‌ای بر تصویر زنان در تلویزیون ژاپن نشان می‌دهد که تلویزیون تصویری بسیار محدود از زن را ارائه می‌دهد. در فیلم‌های داستانی، زنان جوان اگر شاغل نشان داده شوند، عمدتاً مشاغل زنانه دارند و اغلب در حال ازدواج یا برقراری رابطه عاشقانه‌اند. آن‌ها در حل مسائلشان موجوداتی منفعل، با رویکردی خانگی و وابسته نشان داده می‌شوند. فانگ نیز در تحقیقی که در سال ۲۰۰۱ در هنگ‌کنگ انجام داد به این نتیجه رسید که به رغم چندگونگی فرهنگی این سرزمین، که مجموعه‌ای از فرهنگ غربی و فرهنگ چینی است، تفکرات قالبی درباره جنسیت در میان مردم و همین‌طور فیلم‌های تلویزیونی به‌وضوح مشاهده می‌شود.

در ایران نیز مطالعات متعددی رواج تصورات قالبی جنسیتی را به تصویر کشیده است. بررسی محتوای سریال‌های تلویزیونی از میانه دهه ۱۳۵۰ آغاز شده است. در آن سال‌ها، بیش‌ترین تکیه پژوهش‌گران بر بررسی نقش‌های جنسیتی زن و مرد در خانواده بوده است، اما در دهه‌های بعد، تصورات قالبی زنانگی و مردانگی در حیطه جامعه نیز ارزیابی و به آن توجه شده است. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تصورات قالبی جنسیتی در رسانه‌های ایران نیز نشان می‌دهد که نمایش مردان و زنان در آگهی‌های تلویزیونی در راستای نقش‌های سنتی است (حقیقی‌نسب و هدایتی، ۱۳۸۴: ۳۳). در سریال‌های تلویزیونی، از زنان و مردان در قالب زنان و مردان سنتی، تصورات قالبی به نمایش درمی‌آید؛ بدین ترتیب که زنان موجوداتی فریب‌کار، ناقص‌العقل، بی‌وفا، منفعل و فرودست و در مقابل، مردان موجوداتی صادق، عاقل، وفادار، فعال و فرادست تصویرسازی شده‌اند (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۴: ۵۹). فیلم‌های سینمایی ایرانی نیز از طریق مناسکی کردن فرمان‌بری و کم‌ارزش جلوه دادن زنان در مقابل مردان، برتری جنسی بر جنس دیگر را به نمایش می‌گذارند و ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی سنتی را تأیید و تثبیت می‌کنند. این همه، اغلب از طریق اجرای مناسک فرودستی و فرادستی در کنش متقابل بازیگران زن و مرد در فیلم‌ها رخ می‌دهد (سلطانی گردفرامری، ۱۳۸۵: ۶۱).

راودراد در مقاله‌ای با عنوان «تغییرات نقش زن در جامعه و تلویزیون»، با مطالعه سریال‌های ایرانی تولیدشده در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ به این نتیجه رسیده است که برخلاف انتظار، در سریال‌ها زنان شاغل و محصل بیش‌تر از این‌که در نقش‌های شغلی و تحصیلی تصویر شوند، در نقش‌های خانوادگی و معمولاً در محیط خانه نمایش داده شده‌اند. بدین ترتیب، با وجود آن‌که «برخی از خصوصیات جدید اجتماعی برای زنان مورد تشویق قرار می‌گیرد، اما این ویژگی‌ها به نحوی است که یا با ویژگی‌های سنتی مورد تأکید رسانه موافق است یا این‌که حداقل آن‌ها را نفی نمی‌کند» (راودراد، ۱۳۸۰: ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۵). اعزازی نیز در مقاله‌اش با عنوان «تحلیل ساختاری جنسیت»، به موضوع مشارکت اجتماعی زنان و نحوه نمایش زن شاغل در تلویزیون و رسانه‌ها پرداخته است. در بررسی او از تصویر زن در ۱۳۷۹، زن شاغل به نمایش درمی‌آید، اما صرفاً این تصویر برای تغییر نگرش کافی نیست. آنچه مهم است، ویژگی‌ها و صفاتی است که به زنان در مجموع و در محیط‌های خانگی یا محیط کار نسبت داده می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۰: ۷۰-۷۱). در واقع تلویزیون با به تصویر کشیدن تصورات قالبی بر تشدید و پایدار شدن این‌گونه تفکرات یاری می‌رساند و تصورات قالبی موجود را تقویت می‌کند (فانگ، ۲۰۰۰: ۱۷). هم‌چنین در مطالعه‌ای که به بررسی تصورات قالبی جنسیتی در صفحه حوادث روزنامه همشهری در ۱۳۸۸ پرداخته است، بارزترین تصورات قالبی‌ای که در مجموع به دست آمده این است که مردان، در نقش مهاجم متعرض به زنان و در مقابل، زنان در نقش قربانی بازنمایی شده‌اند (معینی‌فر، ۱۳۸۸: ۱۶۷). سایر رسانه‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این امر فراملیتی است و مروری بر پژوهش‌های ارائه‌شده حاکی از آن است که محتوای پژوهش‌ها در امریکا، اروپا، ژاپن و ایران، تقریباً از روند یکسانی پیروی می‌کنند. در مجموع گفتنی است که مطالعات متعددی که در زمینه تصورات قالبی جنسیتی و مقولات مرتبط با آن در کشورهای مختلف و کشور ما انجام شده نشان می‌دهد این موضوع دغدغه بسیاری از جوامع بوده است. در واقع، کماکان تصورات قالبی جنسیتی از طریق رسانه‌ها نیز بر ادراکات و کنش‌های مخاطبان تأثیر گذاشته و منجر به استمرار تصورات قالبی جنسیتی موجود شده است.

۴. روش تحقیق

روش این تحقیق کمی است. نوع بررسی، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخت است. این پرسش‌نامه در سطح شهر تهران از طریق ۳۰۰ پاسخ‌گو، به صورت تصادفی تکمیل شده است.

بخش جنسیتی پرسش‌نامه مذکور دربرگیرنده پرسشی مستقیم در خصوص ویژگی‌های جنسیتی غالب مردانه و زنانه است. برای دستیابی به بیش‌ترین تمایزها، این پرسش در نمونه‌ای تا حد ممکن ناهمگن، از لحاظ جنس، سن، شغل، میزان تحصیلات، میزان درآمد و محل سکونت طرح شده است.

از نظر جنس ۶۰/۴ درصد از افراد جمعیت نمونه مطالعه‌شده را زنان و ۳۹/۶ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. از نظر سن، ۵۷/۹ درصد از جمعیت نمونه مطالعه‌شده را جوانان (گروه سنی ۱۸ تا ۳۹ سال)، ۳۴/۲ درصد را افراد میان‌سال (گروه سنی ۴۰ تا ۶۴ سال) و ۷/۹ درصد را افراد مسن (گروه سنی ۶۵ سال به بالا) تشکیل می‌دهند. از لحاظ شغل ۲۶/۴ درصد از نمونه مطالعه‌شده را کارمند معمولی، ۲۰/۷ درصد را افراد خانه‌دار، ۹ درصد را کارمندان عالی‌رتبه، ۷/۴ درصد را دانش‌جویان، ۶ درصد را شغل آزاد، ۵ درصد را کارگران، ۳/۷ درصد را صاحبان حرف و ۲ درصد را افراد بیکار تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است که ۱۹/۷ درصد از جمعیت نمونه به این پرسش‌نامه پاسخ نداده‌اند.

میزان تحصیلات پاسخ‌گویان نیز در چهار رده تحصیلات عالی ۱۵/۳ درصد (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری)، تحصیلات متوسط ۳۸/۸ درصد (دیپلم و کاردانی)، زیر دیپلم ۳۸ درصد (۷ تا ۱۱ سال تحصیل: زیر دیپلم) و در نهایت، کم‌سواد ۷/۸ درصد (۰ تا ۶ سال تحصیل) طبقه‌بندی شده‌اند.

بر اساس داده‌های موجود، میزان درآمد پاسخ‌گویان نیز در سطوح درآمد بسیار پایین ۶۳/۷ درصد (درآمد کم‌تر از ده میلیون ریال در ماه)، درآمد پایین ۱۸/۹ درصد (درآمد ده میلیون تا بیست میلیون ریال در ماه)، درآمد متوسط ۸/۱ درصد (درآمد بیست تا سی میلیون ریال در ماه) و درآمد بالا ۹/۳ درصد (درآمد سی میلیون ریال به بالا) است.

هم‌چنین محل سکونت در سه منطقه فرادست، میانی و فرودست در نظر گرفته شده است. مناطق فرادست شامل مناطق ۱ و ۳ دربرگیرنده شمیران، فرمانیه، دربند، دروس، بلوار افریقا، ونک، شهرک غرب، سعادت‌آباد و گیشاست. مناطق میانی شامل منیریه، حافظ، شاهپور، شهدا، حسن‌آباد، ناصرخسرو، توپخانه، ابوسعید، فرهنگ، ابوذر، معیری، بهارستان، پامنار، نیروی هوایی، آریاشهر، شهرآرا، توحید، رسالت، مجیدیه، نظام‌آباد، سبلان، نارمک، تهرانپارس، گلبرگ، شهران، تهرانسر، سیدخندان، پیروزی و شهرک شهید بهشتی است و در نهایت، مناطق فرودست شامل میدان خراسان، چهارراه لشکر، خواجه نظام، میدان قزوین، رازی، قیام، خزانه، نواب، راه‌آهن، مختاری، وحدت، قلعه حسن‌خان، اسلامشهر، شهرک آتی‌شهر، افسریه، طوس، سرآسیاب و قلعه مرغی است.

تحلیل داده‌ها نیز با بهره‌گیری از آمارهای توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. افزون بر این، یافته‌ها با متغیرهای مستقل پیش‌گفته تحقیق، شامل جنس، سن، شغل، تحصیلات، درآمد و محل سکونت تقاطع داده شد تا تفاوت‌های معنادار شناسایی شود. سپس با هدف جایگزینی پاسخ‌گویان بر اساس ویژگی‌های مشابه و با توجه به شاخص‌های پژوهش خوشه‌بندی و تحلیل خوشه به کار برده شد. شایان ذکر است به دلیل یک‌دستی پاسخ‌ها در بخش تصورات قلبی جنسیتی خوشه‌ای تشکیل نشد.^۴

۵. ارائه یافته‌های تحقیق و تحلیل آن‌ها

در این پژوهش، تصورات قلبی موجود از منظر ۳۰۰ پاسخ‌گو بررسی شد. این تصورات در پرسشی دویخشی، مربوط به ویژگی‌های جنسیتی مردانه و زنانه به شرح ذیل ارائه شده است: ویژگی‌های زیر را به ترتیب الویت شماره‌گذاری کنید:

ویژگی‌های مردانه: مقتدر □، خشن □، باکفایت □، باثبات □، رهبر □، پرخاش‌گر □، چیره‌دست □، سایر □.

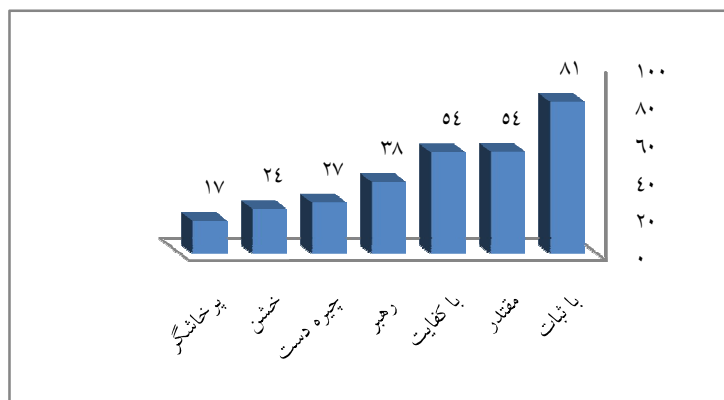
ویژگی‌های زنانه: هیجانی □، مهربان □، حساس □، پیرو □، ضعیف □، ملایم □، سایر □. بر این مبنا، آرای پاسخ‌گویان در نمودارهای زیر به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۱. الویت‌بندی ویژگی‌های جنسیتی زنانه از منظر پاسخ‌گویان

بر اساس داده‌های آماری موجود در نمودار ۱ مشاهده می‌شود که اکثریت پاسخ‌گویان، ویژگی مهربان (۷۰/۲ درصد) و پس از آن به ترتیب، ویژگی حساس (۵۲/۳ درصد)، ملایم (۴۷/۳ درصد)، هیجانی (۴۰/۵ درصد)، پیرو (۲۹/۴ درصد) و ضعیف (۲۳/۷ درصد) را

جزو ویژگی‌های غالب جنسیتی زنانه دانسته‌اند. تقاطع متغیرهای مستقل تحقیق، شامل جنس، سن، شغل، میزان درآمد، محل سکونت و تحصیلات، با متغیر وابسته تصورات قالبی جنسیتی تفاوت معناداری را نشان نداده است. یگانه متغیر، میزان تحصیلات با ویژگی حساس بودن زنان در سطح ۹۰ درصد تفاوت معنادار دارد؛ بدین معنا که با افزایش میزان تحصیلات، به ویژگی حساس بودن زنان کم‌تر اشاره می‌شود.



نمودار ۲. الویت‌بندی ویژگی‌های جنسیتی مردانه از منظر پاسخ‌گویان

بر اساس داده‌های آمارهای موجود در نمودار ۲ مشاهده می‌شود که بیش‌تر پاسخ‌گویان، ویژگی باثبات (۸۰/۸ درصد) و پس از آن به‌ترتیب، مقتدر (۵۴/۲ درصد)، باکفایت (۵۳/۸ درصد)، رهبر (۳۸/۱ درصد)، چیره‌دست (۲۷/۱ درصد)، خشن (۲۳/۷ درصد) و پرخاش‌گر (۱۷/۴ درصد) را جزو ویژگی‌های غالب جنسیتی مردانه دانسته‌اند. تقاطع متغیرهای مستقل تحقیق، شامل جنس، سن، شغل، میزان درآمد، محل سکونت و تحصیلات با متغیر وابسته تصورات قالبی مردانه تفاوت معناداری را نشان نداده است.

فقط ویژگی رهبری در حکم ویژگی جنسیتی مردانه با متغیرهای مستقل سن و میزان درآمد از تفاوت معنادار برخوردار بوده است. درخصوص متغیر مستقل سن، این معناداری در سطح ۹۶ درصد است؛ بدین معنا که با افزایش میزان سن از جوان به میان‌سال و پیر، افراد بیش‌تری ویژگی رهبری را در حکم ویژگی جنسیتی مردانه معرفی کرده‌اند. متغیر مستقل درآمد نیز با ویژگی رهبری در حکم ویژگی جنسیتی مردانه در سطح ۹۶ درصد از تفاوت معنادار برخوردار است؛ بدین معنا که با افزایش میزان درآمد از درآمد بسیار پایین به درآمد پایین و متوسط، تعداد بیش‌تری از پاسخ‌گویان ویژگی رهبری را در حکم ویژگی

جنسیتی مردانه معرفی کرده‌اند. شایان ذکر است که هیچ‌یک از پاسخ‌گویان با درآمد بالا (۳۰ میلیون ریال به بالا)، ویژگی رهبری را ویژگی جنسیتی مردانه معرفی نکرده‌اند. در راستای پاسخ‌گویی به مسئله محوری این پژوهش، که تصورات قالبی جنسیتی موجود از چه روندی پیروی می‌کند؟ تداوم یا گسست؟ گفتنی است که یافته‌های پژوهش حاضر در استمرار سایر پژوهش‌های خارجی و داخلی در زمینه تصورات قالبی جنسیتی است؛ از جمله در این باره به پژوهش‌های زیر اشاره می‌شود:

در مطالعه‌ای بین‌المللی، که در ۲۵ کشور انجام شد، صفتهایی نظیر عاطفی، مضطرب، وابسته، ترسو، مهربان، ملایم، احساساتی، دل‌سوز، نازک‌دل و منفعل به زنان و صفاتی نظیر فعال، حادثه‌جو، پرخاش‌گر، خشن، سلطه‌گر، قوی، باانرژی، مستقل، مقاوم و سنگ‌دل به مردان نسبت داده شده است. این برداشت در فرهنگ‌های بسیاری وجود دارد و نشان می‌دهد که تصورات قالبی در مورد زنان منفی است. در مجموع، صفات مردانه بسیار بارزتر از صفات زنانه قلمداد می‌شود (بدار و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۳۲). ویلیامز و بست (۱۹۸۲) نیز با مطالعه‌ای که در ۳۰ کشور انجام داده‌اند عقاید قالبی مربوط به جنس را در نمونه‌ها سنجیده‌اند. آن‌ها از آزمودنی‌هایشان خواستند با نشان دادن این‌که کدام‌یک از ویژگی‌های بسیار معمول زن و مرد را بهتر شرح می‌دهند، چهره خاص زن و مرد را توصیف کنند. نتایج نشان داد که صفات عاطفی، قدردان، ضعیف، پرحرف، بی‌ثبات، بی‌فکر، نجیب، سبک‌سر، عیب‌جو، وسواسی، شکوه‌گر، جذاب، دل‌ریا، مهربان، وابسته، مطیع، حساس و احساساتی به زنان نسبت داده شده و صفات پر قدرت، خشن، تجاوزگر، شجاع، مستقل، بی‌نظم، جاه‌طلب، سرخوش، غیر عاطفی و مستحکم، مغرور، زمخت، واقع‌گرا، معقول، منطقی و قوی به مردان نسبت داده شده است (ویلیامز و بست، ۱۹۸۲: ۲۰۹).

در تحقیقی دیگر، در مجموع پنج تصور قالبی شخصیتی در فرهنگ سنتی ایران بدین قرار شناسایی شد: فریب‌کار، ناقص‌العقل، بی‌وفا، منفعل و فرودست به زنان و صادق، عاقل، وفادار، فعال و فرادست به مردان نسبت داده شد (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۲: ۵۹-۸۹). در مطالعه ریاحی و همکاران در خصوص میزان پذیرش تصورات قالبی جنسیتی از سوی مردان و زنان جوان در استان مازندران نیز ویژگی‌های شخصیتی نظیر فعال، پرانرژی، مستقل، پرخاش‌گر، مدیر، قوی و توانا به مردان و ویژگی‌های شخصیتی نظیر عاطفی، حساس، جذاب، آرام، صبور، مضطرب، وابسته به دیگران و نگران به زنان نسبت داده شده است (ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). در تحقیق محمدی و همکاران نیز تصورات قالبی درباره زنان به حدی است که به اعتقاد بیش‌تر صاحب‌نظرانی که نظرشان در برابر گویه نگرشی با این

مضمون که «در ایران این باور رایج است که زنان موجودات ضعیفی‌اند» سنجیده شده است، ۹۰ درصد نظر موافق و فقط ۸ درصد نظری مخالف ابراز کرده‌اند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۱) هم‌چنین در زمینه بررسی تصورات قالبی جنسیتی موجود در ادبیات داستانی، به ارائه تحقیق حسینی و همکاران بسنده شده است که در آن به بررسی تصورات قالبی جنسیتی موجود در ادبیات داستانی آل احمد از طریق تحلیل محتوا پرداخته شده است. یافته‌ها از وجود تصورات قالبی جنسیتی پرحرفی، خرافاتی، هیجانی و انفعال برای زنان و پرخاش‌گری و عصبانیت و سلطه‌گر بودن برای مردان در داستان‌های آل احمد حاکی بوده است. در این میان، تصورات قالبی زنانه برجسته‌تر بوده و از نظر تعداد، در مقایسه با تصورات قالبی مردانه سهم بیش‌تری را به خود اختصاص داده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱). هم‌چنین، در ریشه‌یابی تصورات قالبی جنسیتی برخی مطالعات انجام‌شده در ایران نشان داده‌اند که نزد کودکان میان سنین چهار تا شش سال، صفات منسوب به دختر و پسر به شیوه معناداری استقرار می‌یابد. در واقع، ۸۸ درصد از مادران ایرانی از دوسالگی دختران را به‌مراتب کم‌تر از پسران به استقلال، خودکفایی و پیشرفت تشویق می‌کنند. مطابق این نگرش، که نقش دختر در آینده عمدتاً نقش مادری و همسری است، خصوصیات چون همکاری با دیگران، حساس بودن به نیازهای دیگران و قبول مسئولیت در برابر دیگران را در او تقویت می‌کنند (ناجی‌راد، ۱۳۸۲: ۳۱۰). در تحقیقی دیگر، با هدف مطالعه گرایش پسران دانش‌آموز مقطع متوسطه به ارزش‌های مردانه و تصورات قالبی جنسیتی مشخص شد که در زمینه گرایش به ارزش‌ها و تصورات قالبی جنسیتی در میان آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد و پسرانی که نمره‌های بالاتری در مقیاس مردانگی کسب کرده‌اند به ارزش‌ها و تصورات قالبی جنسیتی مردانه گرایش بیش‌تری داشته‌اند (ذکایی و میرزایی، ۱۳۸۴: ۷۰).

۶. سخن پایانی

در راستای پاسخ‌گویی به پرسش «شناسایی تصورات قالبی در سطح شهر تهران» و دغدغه‌محوری روند یافته‌های پژوهش مذکور، در مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، در ویژگی‌های متناسب به دو جنس نوعی استمرار مشاهده می‌شود. پاسخ‌گویان ویژگی‌هایی نظیر مهربان (۷۰/۲ درصد)، حساس (۵۲/۳ درصد)، ملایم (۶۷/۸ درصد)، هیجانی (۳۹/۵ درصد)، پیرو (۲۹/۴ درصد) و ضعیف (۲۲/۷ درصد) به‌ترتیب در حکم تصورات قالبی زنانه و ویژگی‌هایی مانند باثبات (۸۰/۸ درصد)، مقتدر (۵۴/۲ درصد)،

باکفایت (۵۳/۸ درصد)، رهبر (۳۸/۱ درصد)، چیره‌دست (۲۷/۱ درصد)، خشن (۲۳/۷ درصد) و پرخاش‌گر (۱۷/۴ درصد) را در قالب تصورات قالبی مردانه ارائه کرده‌اند. ضمن این‌که میان متغیرهای مستقل این تحقیق، از جمله جنسیت، سن، محل سکونت، شغل، تحصیلات و درآمد با تصورات قالبی جنسیتی موجود تفاوت معناداری مشاهده نشده و به علت یک‌دستی در پاسخ‌ها، در سطح تحلیل آمار استنباطی نیز خوشه‌ای ایجاد نشده است. این یافته‌ها، در استمرار ادبیات موجود تحقیق است که اغلب زنان را موجوداتی حساس، هیجانی، ضعیف و نازک‌دل و در مقابل، مردان را خشن، چیره‌دست و پرخاش‌گر قلمداد می‌کنند. این‌ها نمونه‌های معدودی از فهرست طولانی تصورات قالبی جنسیتی درباره ویژگی‌های شخصیتی زنانه و مردانه است.

آن‌چه در بررسی این تصورات قالبی جنسیتی در جامعه جلب توجه می‌کند رواج تصورات قالبی عمدتاً منفی در مورد زنان و نیز پذیرش تصورات قالبی عمدتاً مثبت درباره مردان است.

یافته‌های این پژوهش در راستای سایر پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه نظری و تجربی در زمینه تصورات قالبی جنسیتی است. از جمله این پژوهش‌ها به موارد ذیل اشاره می‌شود: وینست (۱۳۷۸)، بارون و بیرن (۱۳۹۱)، میشل (۱۳۷۶)، گولومبوک و فی‌وش (۱۳۸۴)، ترنر (۱۹۹۹)، میرز (۲۰۰۲)، کیسی (۲۰۰۲)، بوردیو (۲۰۰۲)، حسینی (۱۳۹۱)، اعزازی (۱۳۸۰) و ساروخانی (۱۳۴۸).

عمده‌ترین پژوهش‌های تجربی در این زمینه نیز موارد پیش‌گفته را تأیید می‌کند. از جمله این پژوهش‌ها عبارت‌اند از سهیلا صادقی فسایی و شیوا کریمی (۱۳۸۲)، محمداسماعیل ریاحی (۱۳۸۶)، خمسه (۱۳۸۳)، ذکایی و میرزایی (۱۳۸۴)، بدار و دیگران (۱۳۸۱)، ویلیامز و بست (۱۹۸۲)، ناجی‌راد (۱۳۸۲)، فورسیث (۱۹۹۴)، فریدمن (۱۹۷۷)، گالاگر (۱۹۸۱)، اعزازی (۱۳۸۰)، معینی‌فر (۱۳۸۸)، میناکشی (۲۰۰۱)، گلاس کک (۲۰۰۱)، حقیقی‌نسب و هدایتی (۱۳۸۴)، راودراد (۱۳۸۰)، سلطانی‌گردفرامرزی (۱۳۸۵)، صادقی فسایی و کریمی (۱۳۸۴) و حسینی و همکاران (۱۳۹۱).

مطالعات متعددی که در زمینه تصورات قالبی جنسیتی و مقولات مرتبط با آن در کشورهای مختلف و کشور ما انجام شده نشان‌گر آن است که این موضوع به دلیل استمرارش، کماکان دغدغه بسیاری از جوامع است. حال این پرسش مطرح می‌شود که دلایل استمرار تصورات قالبی چیست؟ اندیشمندان بر این باورند که تصورات قالبی به چند دلیل استمرار می‌یابند: نخست این‌که اطلاعاتی که ما درباره هریک از دو جنس داریم

محدود است و کمبود اطلاعات موجود سبب می‌شود که ما «جنس»ها را بر اساس تصورات قالبی درک و در مقابل آن واکنش نشان دهیم. دوم بارز بودن جنس‌هاست. زنان نه تنها در قالب جنس بارز مطرح نمی‌شوند، بلکه به واسطه تصورات قالبی موجود، بیش‌تر تلقی «جنس دومی» از آنان وجود دارد (دوبوار، ۲۰۰۸) و سوم این‌که گرایش افراد عموماً به ساده‌پنداری است؛ زیرا اغلب از پیچیدگی‌ها گریزانند (سیرز، ۱۹۸۸)، چهارم این‌که نگرش‌ها اغلب میل به پایداری و ثبات دارند و این امر یکی از وجوه تمایز نگرش با احساسات ساده‌تر است. از این منظر، تغییر نگرش‌ها آهسته و بسیار سخت است و تصورات قالبی نیز به مثابه بعد شناختی نگرش‌ها از این قاعده مستثنا نیستند. در واقع بر مبنای تصورات قالبی فرهنگی (cultural stereotypes)، افراد جامعه پیوسته در معرض تصاویر ذهنی موجود درباره دو جنس قرار می‌گیرند؛ زیرا این تصورات به صورت ناآگاهانه، از طریق فرایند جامعه‌پذیری در ما درونی می‌شوند. بر این مبنای افراد با باورهایشان درباره مشخصه‌های کلی، زنان و مردان را از یک‌دیگر تفکیک می‌کنند. نکته مهم در روند تصورات قالبی جنسیتی، همانندی و استمرار آن‌هاست. حال آن‌که به نظر می‌رسد جوامع به علت بصری شدن، مصرفی شدن، زیبایی‌شناسانه‌تر و زنانه‌تر شدن (فاضلی، ۱۳۹۳) باید میل به چندپارگی و حتی تداخل مرزهای جنسیتی داشته باشند. شاید بهتر باشد به جای استفاده از تصورات قالبی موجود، بیش‌تر بر عملکرد دو جنس متمرکز شد و با اتخاذ تصورات قالبی شخصی (personal stereotype)، تصاویر ذهنی متفاوتی از سنخ‌های متفاوت زنان و مردان را به کار بست. در واقع با شکل‌دهی طرح‌واره‌های متفاوت درباره سنخ‌های خاص زنان و مردان، که دربرگیرنده خوشه‌های متمایز از ویژگی‌هاست، تاحدودی استمرار تصورات قالبی جنسیتی کاهش می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله حاضر برگرفته از بخش مربوط به جنسیت طرح پژوهشی با عنوان «شناسایی سبک‌های زندگی در شهر تهران» است که در سال ۱۳۹۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام گرفته است و به‌زودی نسخه چاپی آن در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.
۲. نگرش‌ها ارزش‌یابی‌هایی از وجوه مختلف جهان اجتماعی‌اند؛ اغلب، نگرش‌هایی نیرومند که غالباً در برابر تغییر مقاوم‌اند. برخی نگرش‌ها نیز دو سوگیراند؛ به این معنی که مبتنی بر باورهای ضد و نقیض‌اند؛ یعنی موضوع (شیء) نگرش هم مثبت ارزیابی می‌شود و هم منفی و کم‌تر احتمال دارد که چنین نگرش‌هایی قادر باشند رفتار را به صورت باثبات پیش‌بینی کنند. نگرش‌ها

اغلب از اشخاص دیگر و از طریق یادگیری اجتماعی (شرطی شدن کلاسیک، شرطی شدن وسیله‌ای، یادگیری مشاهده‌ای) کسب می‌شوند. آن‌ها تحت تأثیر رسانه‌های گروهی قرار می‌گیرند (رابرت بارون و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶-۱۹۷).

۳. برخی اندیشمندان به تفاوت مفهوم جنس و جنسیت پرداخته‌اند؛ از جمله به باور وینست، بحث امور جنسی و جنسیت مشابه مباحث طبیعت و تربیت است. آیا طبیعت زنان از لحاظ بیولوژیکی معین شده یا به طور اجتماعی شکل گرفته است؟ پاسخ معمول آن است که جنسیت به شکل اجتماعی و مصنوعی ساخته شده است؛ حال آن‌که امر جنسی امری بیولوژیکی است. هم‌چنین نقش‌های معینی برای زنان مقرر است؛ گویی این نقش‌ها به طور طبیعی و بیولوژیکی متعلق به آن‌ها بوده است (وینست، ۱۳۷۸: ۲۶۸)؛ به این معنی که مردان و زنان فقط به نقش‌های اجتماعی مشغول‌اند که غالباً برای آن‌ها بر مبنای زیست‌شناختی تعیین شده است.

۴. خوشه‌بندی: اگر بپذیریم که تحلیل‌ها روشی‌اند برای خلاصه کردن یا ترکیب کردن متغیرها، تحلیل خوشه روشی است برای مقوله‌بندی موردها و نه متغیرها. در این راستا، تحلیل خوشه برای شناسایی گروه‌های همگن از پاسخ‌گویان انتخاب شده است. این تحلیل، بر اساس اطلاعاتی درخصوص برخی موارد، پاسخ‌گویان را با توجه به آن‌ها گروه‌بندی می‌کند و به عبارتی، تحلیل خوشه درصدد شناسایی مجموعه‌ای از گروه‌هاست تا از این طریق از یک طرف تفاوت‌های درون‌گروهی را به حداقل ممکن برساند و از طرف دیگر تفاوت‌های بین‌گروهی را به حداکثر ممکن برساند.

تحلیل خوشه: هریک از موارد پیش‌گفته پس از خوشه‌بندی، با متغیرهای سن، شغل، محل سکونت، میزان درآمد، جنس و میزان تحصیلات تقاطع داده شد و مواردی که تفاوت معنادار داشت (در سطح حداقل ۹۰ درصد) با دقت بیش‌تر بررسی و تحلیل شد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). *نظریه جامعه‌شناسی*، تهران: سروش.
- آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۱). «تعیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران»، *پژوهش زنان*، س ۲، ش ۳.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: روشنگران.
- بارون، رابرت، دان بیرن و نایلا برنسکامب (۱۳۹۲). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه یوسف کریمی، تهران: روان.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۷). *جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حسینی، سیدحسن و منصوره دشتی (۱۳۹۱). «بازنمایی تصورات قالبی جنسیتی در رسانه: مطالعه ادبیات داستانی آل احمد»، *نشریه جهانی رسانه*، ۷، ش ۱۳.

- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش نقش جنسیتی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، س ۵، ش ۲۸.
- ذکایی، محمد سعید و همکاران (۱۳۸۴). «پسرهای جوان و ارزش‌های مردانگی: (پژوهشی در بین دانش آموزان متوسطه شهر تهران)»، *جامعه‌شناسی ایران*، س ۶، ش ۳.
- ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۸۶). «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش تصورات قالبی جنسیتی (مطالعه موردی جوانان کارآموز در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران)»، *پژوهش زنان*، س ۶، ش ۱۷.
- ساروخانی، باقر و مریم رفعت‌جابه (۱۳۸۶). «بازاندیشی در تقابل جنسیتی و هویت‌های زنانه (بررسی کیفی هویت اجتماعی در میان زنان تهرانی)»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، س ۴، ش ۲۵.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۱). *روانشناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- سلطانی گرد فرامرز، مهدی (۱۳۸۵). «نمایش جنسیت در سینمای ایران»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، س ۵، ش ۱۴.
- صادقی فسائی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۴). «تصورات قالبی جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی»، *پژوهش زنان*، س ۲، ش ۳.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). *تاریخ فرهنگی ایران مدرن*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی، سیدیوک، ناهید مؤید حکمت و شیدا نبی (۱۳۸۱). *بررسی نقش عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مک‌گار و اتو کلاین برگ (۱۳۷۶). *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۲، تهران: نشر اندیشه.
- نبوی، سید عبدالحسین و لیلا احمدی (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)»، *جامعه‌شناسی ایران*، س ۸، ش ۲.
- هولمز، ماری (۱۳۸۷). *جنسیت در زندگی روزمره*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر نقد افکار.

- Becket, Howard Outsider (۱۹۶۳). *Studies in the sociologist of deviance*, New York: N Y press.
- Bourdieu, Pierre (۲۰۰۲). *La domination masculine*, Paris: Ed Minuit.
- Bourdieu, Pierre (۱۹۷۹). *La distinction*, Paris: Seuil.
- De Beauvoir Simone. (۲۰۰۸). *Le deuxieme sexe*, Paris: Gallimard.
- Sears, D. O, A. Peplau, L. Freedom J & S. E. Taylor (۱۹۸۸). *Social Psychology*, New Jersey: Prentice Hall international Editions.